

## نگاهی به مبانی نظری صورتهای مالی تلفیقی

حدود یک قرن ونیم پیش جریان تشکیل شرکتهای اصلی برای خرید و تملک شرکتهای فرعی، به عنوان ابتکاری نوین در عرصه فعالیتهای اقتصادی ظاهر شد. اما فکر تهیه صورتهای مالی تلفیقی با تاخیر زمانی و به تقریب، از اوایل قرن بیستم و همزمان با جنگ جهانی اول مطرح شد. شرکت انگلیسی نابل (Noble) اولین شرکتی بود که در سال ۱۹۲۰ ترازنامه تلفیقی تهیه کرد. استحکام این فکر باعث ترویج سریع صورتهای مالی تلفیقی شد، به گونه ای که در سال ۱۹۳۹ بورس اوراق بهادار انگلستان آن را الزامی کرد. در آمریکا نیز کار تهیه صورتهای مالی تلفیقی از سال ۱۹۴۰ آغاز شد. هم اکنون صورتهای مالی تلفیقی، حتی برای دوره های مالی میانی، در سطح گسترده ای تهیه می شود ولی ما در کشورمان هنوز در مراحل ابتدایی این امر مانده ایم و شاید بتوان گفت تاکنون حتی یک صورت مالی تلفیقی بدون اشکال عمده تهیه نشده است و آنچه هم تهیه می شود، به طور معمول بيموقع منتشر می شود. در استاندارد حسابداری شماره ۱۸ تهیه صورتهای مالی تلفیقی و ارائه آن همراه با صورتهای مالی جداگانه اجباری شناخته شده است و لازم است شرکتهای برای ارائه اطلاعات شفاف، مفاد بند ۶ این استاندارد را به شرح زیر اجرا کنند:

“هر واحد تجاری اصلی که مشمول تهیه صورتهای مالی تلفیقی است باید این صورتهای مالی را تهیه و صورتهای مالی جداگانه خود را همراه آن ارائه کند.”

## مبانی نظری تهیه صورتهای مالی تلفیقی

هدف صورتهای مالی تلفیقی ارائه اطلاعات درباره وضعیت مالی و عملکرد مالی واحد تجاری اصلی و واحدهای تجاری فرعی آن به استفاده کنندگان است. صورتهای مالی

تلفیقی مرزهای قانونی بین واحد تجاری اصلی و واحدهای تجاری فرعی را کنار می گذارد و آنها را به عنوان یک واحد اقتصادی یگانه می بیند. وقتی واحد تجاری اصلی یک یا چند واحد تجاری فرعی را کنترل می کند با ترکیب اطلاعات مالی و تهیه صورتهای مالی تلفیقی برای گروه، اطلاعات ارزشمندی درباره عملکرد و وضعیت مالی این مجموعه واحد به دست می آید.

در بند ۸ استاندارد حسابداری شماره ۱۸، اهمیت صورتهای مالی تلفیقی این گونه برجسته شده است:

“استفاده کنندگان صورتهای مالی واحد تجاری اصلی برای تصمیم گیریهای اقتصادی به اطلاعاتی درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریانهای نقدی گروه نیاز دارند. این نیاز

از طریق صورتهای مالی تلفیقی که اطلاعات مالی مربوط به گروه را به عنوان یک

شخصیت اقتصادی منفرد و بدون توجه به مرزهای قانونی شخصیت های حقوقی جداگانه ارائه می کند، برآورده می شود.”

به رغم اهمیت شخصیت واحد گروه، برای گزارشگری مالی، باید توجه داشت که گروه شخصیت قانونی ندارد و قادر به صدور سهام، تملک دارایی و تحمل بدهی نیست. گروه

شخصیتی ندارد که بتوان آن را به دادگاه احضار و علیه آن اقامه دعوی کرد. گروه به لحاظ نداشتن شخصیت قانونی نمی تواند تقسیم سود کند. افزون بر این، اعتبار دهندگان نمی توانند برای ارزیابی توان پرداخت بدهی به منابع سایر شرکتهای گروه، به غیر از شرکتی که به آن وام داده اند، اشاره کنند. اما رشته روابط اقتصادی و ماهیت کنترل شرکت اصلی بر شرکتهای فرعی، توجیه پایداری برای تلقی این مجموعه به عنوان یک مجموعه اقتصادی واحد است.

گزارشگری مالی این مجموعه اقتصادی از نظر تئوری بحث انگیز است؛ آیا باید به مسئله مالکیت توجه کرد و آن را محور قرارداد، یا اینکه مجموعه واحد اقتصادی به عنوان بنیاد

تلفیق پذیرفته شود؟ پاسخ به این دو سؤال در دامنه تئوری مالکیت و تئوری شخصیت

**اقتصادی جداگانه** متفاوت است. در تئوری مالکیت تأکید بر مالکیت صاحبان بر واحد

اقتصادی است. در گروهی که متشکل از چند شخصیت قانونی است، صاحب همان

گروه سهامدار کنترل کننده است که به طور معمول سهامداران شرکت اصلی می باشند.

بنابراین بر اساس تئوری مالکیت منافع سهامداران اقلیت از صورتهای مالی تلفیقی خارج

می شود و صورتهای مالی تلفیقی اساساً "برای سهامداران شرکت اصلی تهیه می شود. در

تئوری شخصیت اقتصادی جداگانه، داراییها و بدهیهای کل مجموعه اقتصادی مورد تأکید

است و منافع سهامداران به عنوان بخشی از حقوق صاحبان سهام تلقی می شود. در

صورتهای مالی تلفیقی مبتنی بر تئوری شخصیت اقتصادی جداگانه، همه افراد ذینفع در

واحد اقتصادی در نظر گرفته می شوند.

در حال حاضر، صورتهای مالی تلفیقی براساس ترکیبی از این دو تئوری تهیه می شود.

یکی از ساختارهای نظری که ضمن دو رگه بودن با شیوه کنونی تلفیق سازگارتر به نظر

می آید، مفهوم شرکت اصلی است. از این دیدگاه صورتهای مالی تلفیقی به نوعی

گسترش دامنه صورتهای مالی شرکت اصلی برای گزارش اطلاعات بهتر درباره

مجموعه های زیر کنترل شرکت اصلی است. در مفهوم شرکت اصلی، داراییهای تلفیقی

شامل مجموعه داراییهای شرکت اصلی و شرکتهای فرعی است و سهم سهامداران اقلیت

مستثنی نمی شود. این شیوه عمل با تئوری شخصیت اقتصادی جداگانه سازگار است اما با

تئوری مالکیت مطابقت ندارد. اگر تئوری مالکیت به طور کامل پیاده شود در این صورت

سهم اقلیت از داراییها و بدهیها نباید در ترازنامه منعکس شود \_ یعنی همان کاری که در

مورد سرقفلی صورت می گیرد. سهم اقلیت از حقوق صاحبان سهام در بعضی از کشورها

در بین بدهیها و حقوق صاحبان سهام گزارش می شود. این نحوه گزارشگری به تئوری

مالکیت نزدیک است اما در ایران براساس تئوری شخصیت اقتصادی جداگانه، سهم اقلیت

از خالص داراییها در بخش حقوق صاحبان سهام گزارش می شود.

اگر بخواهیم تئوری مالکیت را به طور مطلق پیاده کنیم، باید سهم اقلیت از داراییها و بدهیها

را در ترازنامه تلفیقی نشان ندهیم. این تفسیر مطلق از تئوری مالکیت را مفهوم **تلفیق**

**نسبی** می نامند که معمولاً "در مشارکتهای خاص اعمال می گردد. یک تفسیر مطلق در

تئوری شخصیت نیز به مفهوم واحد اقتصادی منتهی می شود که براساس این مفهوم همه داراییها و بدهیهای قابل شناسایی براساس ارزش منصفانه منعکس می شود. شمای کلی این تئوریا و مفاهیم در شکل ۱ و تفاوتهای آنها در شکل ۲ ارائه شده است.

### شرایط لازم برای تهیه صورتهای مالی تلفیقی

معیار اصلی برای تهیه صورتهای مالی تلفیقی، کنترل واحد تجاری اصلی بر واحد تجاری

فرعی است. براساس استاندارد حسابداری شماره ۱۸، کنترل عبارت است از توانایی

هدایت سیاستهای مالی و عملیاتی یک واحد تجاری به منظور کسب منافع اقتصادی از

فعالتهای آن. هنگامی که واحد تجاری اصلی به طور مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق

واحدهای تجاری فرعی دیگر خود) مالکیت بیش از نصف سهام دارای حق رای یک

واحد تجاری را در اختیار دارد فرض بر وجود کنترل بر آن واحد تجاری است مگر در

مواردی که بتوان آشکارا نشان داد که چنین مالکیتی سبب کنترل آن واحد تجاری نمی

شود. در این رابطه استاندارد حسابداری شماره ۱۸ با استانداردهای بین المللی، انگلستان و

آمریکا (به استثنای یک مورد که مربوط به آمریکا است) مطابقت دارد. طبق استاندارد

آمریکا کنترل همراه با مالکیت بیش از ۵۰ درصد، شرط لازم است. یعنی اگر کنترل باشد

اما مالکیت زیر ۵۰ درصد باشد، شرکت فرعی از تلفیق مستثنی می شود.

در موارد زیر، به رغم مالکیت بیش از ۵۰ درصد، شرکت فرعی (یا واحد تجاری فرعی) از

تلفیق مستثنی می شود:

• کنترل جنبه موقتی داشته باشد،

• محدودیهای درازمدت و شدید بر عملیات واحد تجاری فرعی حاکم باشد به طوری که

توان انتقال منابع به شرکت اصلی دچار محدودیت اساسی باشد.

فعالیت نامتجانس شرکتهای فرعی یکی دیگر از موضوعهای مورد مناقشه بوده است.

در گذشته معاف شدن این گونه واحدها از حوزه تلفیق، گرایش غالب بوده است، اما در

حال حاضر این واحدها تنها براساس استانداردهای انگلستان از تلفیق مستثنی می شوند که

این هم ریشه قانونی دارد. در آمریکا تا قبل از سال ۱۹۸۸ شرکتهای فرعی دارای فعالیت

نامتجانس، مشمول تلفیق نبودند اما با گسترش دامنه فعالیت شرکتهای در سطوح ملی و

بین المللی، این روش مشروعیت خود را از دست داد چون بخش عمده ای از داراییها،

بدهیها و نتایج عملیات در صورتهای مالی گروه منعکس نمی شد. در استاندارد حسابداری

شماره ۱۸ نیز این واحدها از تلفیق مستثنی نشده اند.

چنانچه مالکیت واحد تجاری اصلی (شرکت اصلی) به طور کامل به شرکت دیگری تعلق

داشته باشد، تهیه صورتهای مالی تلفیقی اجباری نیست. اما در مواردی که بیش از ۹۰

درصد سهام یک شرکت در مالکیت شرکت دیگری باشد، در صورت رضایت

سهامداران اقلیت، تهیه صورتهای مالی تلفیقی الزامی نیست. طبق استانداردهای انگلستان

اقلیت می تواند از شرکت بخواهد که صورتهای مالی تلفیقی تهیه کند. در استانداردهای

حسابداری آمریکا در این باره مطلبی مشاهده نمی شود. با توجه به اینکه شرط اصلی برای

تهیه صورتهای مالی تلفیقی، کنترل شرکت اصلی بر شرکت فرعی است، مواردی یافت می شود که به رغم مالکیت زیر ۵۰ درصد (شرط لازم طبق استانداردهای آمریکا)، شرکت سرمایه گذار بر سیاستهای مالی و عملیاتی سرمایه پذیر کنترل دارد. این گونه واحدها در دامنه تلفیق قرار می گیرند. این قاعده در ایران باعث شبهاتی شده است. از جمله، این سؤال پیش آمده است که بعضی از سازمانها یا شرکتهای که به رغم نداشتن مالکیت، به موجب قانون یا قرارداد شرکتهای دیگر را زیر کنترل دارند، آیا باید چنین شرکتهایی را در صورتهای مالی تلفیقی وارد کنند یا خیر؟ در کشورهایی مثل آمریکا شرط مالکیت اکثریت سهام دارای حق رأی از بروز چنین تردیدی جلوگیری می کند. اما در ایران چنین شرطی غایب است و بنابراین زمینه طرح سئوالاتی از این گونه غیرمنتظره نیست.

صورتهای مالی تلفیقی مربوط به حوزه سرمایه گذاری است و به روابط بین سرمایه گذار و سرمایه پذیر مرتبط می شود. بنابراین اگر روابط بین دو شرکت از سرمایه گذاری سرچشمه نگیرد، طرح بحث تلفیق مورد نخواهد داشت و شرکتهایی که بنابه ملاحظات مدیریتی در کنترل واحدی دیگر هستند، مشمول تلفیق نمی شوند.

### ضوابط تلفیق

برای تهیه صورتهای مالی تلفیقی، مبالغ داراییها، بدهیها، درآمدها و هزینه های مندرج در صورتهای مالی جداگانه واحد تجاری اصلی و واحدهای تجاری فرعی پس از اعمال تعدیلهای لازم در رابطه با سهم اقلیت، معاملات و مانده های درون گروهی و آثار همسان

سازی روشهای حسابداری، باهم جمع می شوند که هر کدام جای بحث جداگانه دارد.

## معاملات و مانده های درون گروهی

در صورتهای مالی تلفیقی، اعضای گروه به عنوان یک شخصیت اقتصادی واحد تلقی

می شوند. به همین دلیل تعهدات، مطالبات و معاملات درون گروهی حذف می شود. اگر

این شخصیت اقتصادی واحد را به یک فرد تشبیه کنیم تعهدات بین اعضای گروه همانند

تعهد جیب چپ یک شخص به جیب راست اوست.

عدهای با ارائه این دلیل که شرکتهای عضو گروه شخصیت قانونی جداگانه دارند و تهاتر

مانده های درون گروهی مغایر اصول حسابداری است با حذف مانده های درون گروهی

مخالفت می ورزند. در هر صورت دیدگاه حذف معاملات و مانده های درون گروهی از

قدرت و استحکام بیشتری برخوردار است و در استاندارد شماره ۱۸ نیز، همین دیدگاه

پذیرفته شده است. یعنی معاملات و مانده های درون گروهی و همچنین سود یا زیانهای

تحقق نیافته ناشی از معاملات درون گروهی حذف می شود. اما در این میان حذف سود یا

زیانهای تحقق نیافته نیز جای بحث دارد. بعضی از حسابداران با اتکا به تئوری مالکیت، از

حذف سهم شرکت اصلی از سود یا زیانهای تحقق نیافته طرفداری می کنند. ولی براساس

تئوری شخصیت اقتصادی جداگانه که زیربنای اصلی اصول تلفیق است مجموع سود یا

زیانهای تحقق نیافته باید حذف شود. در بند ۲۷ بیانیه شماره ۱۸ نیز همین رویه پذیرفته

شده است:



“از دیدگاه گروه به عنوان یک شخصیت اقتصادی منفرد، سود یا زیان از معاملات درون گروهی ایجاد نمی شود زیرا هیچ گونه افزایش یا کاهشی در خالص داراییهای گروه واقع نمی شود.”

### سهم اقلیت

سهم اقلیت در دو جای مهم، یعنی ترازنامه و صورت سود و زیان، همواره حساسیت نظریه پردازان و تدوین کنندگان استاندارد را برمی انگیزد. در آمریکا و کشورهای که از آن پیروی کرده اند سهم اقلیت در ترازنامه بین دو بخش بدهیها و حقوق صاحبان سهام جای می گیرد. این شیوه، انعکاس مفاهیم نظری و عناصر صورتهای مالی را به جد نادیده می گیرد. همه حسابداران می دانند که اولین شرط شناخت این است که یک قلم باید با تعریف یکی از عناصر صورتهای مالی همخوانی داشته باشد، در غیر این صورت مجاز به ورود به حوزه صورتهای مالی نخواهد بود. عناصر ترازنامه هم تنها به دارایی، بدهی، و حقوق صاحبان سهام محدود می شود. حضور یک مورد مشکوک بین بدهی و حقوق صاحبان سرمایه از نظر تئوریهای تفسیری بی معناست. از سوی دیگر، تلقی کردن سهم اقلیت به عنوان بدهی از دفاع نظری بی بهره است زیرا تعهدی برای پرداخت منافع به سهامداران اقلیت وجود ندارد. بر اساس تئوری شخصیت اقتصادی که گروه را یک واحد اقتصادی یگانه تلقی می کند و مبتنی است بر معادله:

$$\text{حقوق صاحبان سرمایه} + \text{بدهیها} = \text{داراییها} + \text{سهم سهامداران اقلیت در ترازنامه تلفیقی در}$$

بخش حقوق صاحبان سرمایه ارائه می شود و این موضع پایه نظری بند ۱۷ استاندارد حسابداری شماره ۱۸ است.

براساس تئوری شخصیت اقتصادی نباید تفاوتی بین اقلیت و اکثریت قائل شد، اما در موارد زیادی شرکتها برای محاسبه سود خالص تلفیقی سهم اقلیت را از سود کل کسر می کنند. بنابراین سود خالص، سود واحد اقتصادی را به عنوان یک مجموعه واحد نشان نمی دهد. رویه ممتاز این است که سود خالص واحد تجاری را به طور کامل نشان داده، سپس سهم

اقلیت و اکثریت را جداگانه افشا کرد (Hendriksen and Van Breda, 1992, P.791). در یکی از منابع معتبر دیگر ذکر شده است که مفهوم واحد

اقتصادی - که مبتنی بر تئوری شخصیت اقتصادی است - منجر به شکلی از صورت سود و زیان تلفیقی می شود که در آن سود خالص تلفیقی شامل سهم اقلیت از سود خالص یا زیان واحد فرعی است. سهم اقلیت و اکثریت در انتهای صورت سود و زیان یا به طور جداگانه افشا می شود (Jensen, et. al, 1994). بند ۱۸ استاندارد شماره ۱۸ از پشتوانه نظری بالا که مبتنی بر تئوری شخصیت اقتصادی است سود می برد.

### همزمانی تاریخ گزارشگری

صورت‌های مالی واحد تجاری اصلی و واحدهای فرعی آن برای هدفهای تهیه صورت‌های مالی تلفیقی به طور معمول باید از نظر دوره مالی با هم یکسان باشند. سودمندی صورت‌های مالی تلفیقی که مربوط به دوره‌های زمانی یکسان است بسی بیش از صورت‌های مالی

تلفیقی است که دوره‌های زمانی آن با هم متفاوت است. زیرا تفاوت زمانی به مقایسه‌پذیری صورتهای مالی تلفیقی صدمه می‌زند. در این رابطه یک استثنا، آن هم به لحاظ مسائل عملی وجود دارد که فاصله زمانی تا سه ماه طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۸ مجاز شناخته شده است. یعنی می‌توان در صورتهای مالی تلفیقی از صورتهای مالی واحدهای فرعی با دوره زمانی متفاوت استفاده کرد مشروط بر اینکه فاصله زمانی تاریخ صورتهای مالی از سه ماه تجاوز نکند. اما باید توجه داشت که پایان دوره مالی صورتهای مالی واحدهای فرعی باید قبل از پایان دوره مالی واحد تجاری اصلی باشد.

### **رویه‌های حسابداری یکسان**

معاملات و مانده‌های مشابهی که در صورتهای مالی تلفیقی منعکس می‌شود باید براساس رویه‌های حسابداری یکسان شناسایی شود. چنانچه رویه‌های حسابداری مورد استفاده یکی از اعضای گروه در مورد معاملات و رویدادهای مشابه با سایر اعضا متفاوت باشد باید تعدیلهای لازم برای یکسان‌سازی روشهای حسابداری انجام شود مگر اینکه محاسبه تعدیلهای میسر نباشد.

### **انعکاس سرمایه‌گذاری در صورتهای مالی جداگانه واحد تجاری اصلی**

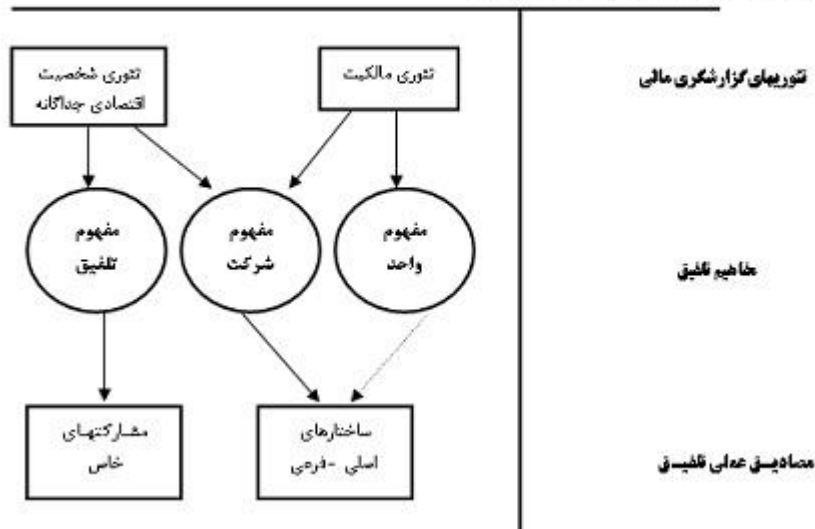
در صورتهای مالی جداگانه که بیشتر برای مقاصد قانونی تهیه می‌شود، می‌توان سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری فرعی را، هم براساس بهای تمام شده و هم براساس

روش ارزش ویژه، منعکس کرد. هر دو روش پذیرفتنی است و از لحاظ استاندارد هیچ یک بر دیگری برتری ندارد.

### نتیجه گیری

تهیه صورتهای مالی تلفیقی به رغم اهمیت آن در تصمیم گیریهای مربوط به شرکتهای اصلی بزرگ، در کشور ما با دشواریهای بسیار روبه روست و انتظار می رود با رعایت کامل استاندارد حسابداری شماره ۱۸ این دشواریها کمتر و در نهایت به طور کامل برطرف شود. در حوزه استانداردهای حسابداری حاکم بر صورتهای مالی تلفیقی، موضوعهای بحث انگیزی مانند سهم اقلیت، معاملات و مانده های درون گروهی، سود یا زیانهای تحقق نیافته، و ارزشیابی داراییها و بدهیها وجود دارد که نحوه برخورد با آنها به طور معمول با پشتیبانی تئوریهای شخصیت اقتصادی جداگانه و مالکیت صورت می گیرد. تئوری شخصیت اقتصادی جداگانه در این میان از برتری بیشتری برخوردار است و بیشتر موضوعها نیز بر پایه همین تئوری حلای می شود و بنیان استاندارد حسابداری شماره ۱۸ بر تئوری شخصیت اقتصادی جداگانه استوار است و تنها در یک مورد، آن هم منعکس نشدن سهم اقلیت از خالص داراییها در تاریخ تحصیل، براساس ارزشهای منصفانه قرار می گیرد.

شکل ۱-۱- تئوریهای گزارشگری مالی، مفاهیم تلفیق و مصادیق تلفیق



شکل ۲- تفاوت‌های بین ترازنامه‌ها بر اساس مفاهیم مختلف تلفیق در تاریخ تحصیل

ویژگیهای ترازنامه	مفاهیم تلفیق		
	تلفیق نسبی	شرکت اصلی	واحد اقتصادی
۱- انعکاس داراییها و بدهیها	داراییها و بدهیهای شرکت اصلی تنها با سهم شرکت اصلی از داراییها و بدهیهای شرکت فرعی جمع می‌شود.	داراییها و بدهیهای شرکت اصلی با داراییها و بدهیهای شرکت فرعی جمع می‌شود.	همانند مفهوم شرکت اصلی
۲- طبقه‌بندی سهم اقلیت	سهم اقلیت مستثنی می‌شود	بین بدهیها و حقوق صاحبان سرمایه	به عنوان بخشی از حقوق صاحبان سهام
۳- ارزشیابی داراییها و بدهیهای شرکت اصلی	مبلغ دفتری	مبلغ دفتری	مبلغ دفتری
۴- ارزشیابی داراییها و بدهیهای قابل شناسایی شرکت فرعی	تنها ارزش منصفانه سهم شرکت اصلی	ارزش منصفانه سهم شرکت اصلی به اضافه مبلغ دفتری سهم اقلیت	ارزش منصفانه شرکت اصلی و سهم اقلیت
۵- ارزشیابی سرقتی	تنها سرقتی خریداری شده شناسایی می‌شود	تنها سرقتی خریداری شده شناسایی می‌شود	کل سرقتی شناسایی می‌شود
۶- ارزشیابی سهم اقلیت	سهم اقلیت مستثنی می‌شود	مبلغ دفتری	ارزش منصفانه

منابع:

- 1- Hendriksen, Elden S., and M. F. Van Breda, Accounting Theory, 5th ed., Homewood: Irwin, 1992
- 2- Jensen, Daniel L., Edward N. Coffman, Ray G. Stephens, Thomas J. Burns, Advanced Accounting, 3rd ed., New York: McGraw-Hill, INC., 1994
- 3- Financial Accounting Standards Board, Statement of Financial Accounting Standards No. 94, Consolidation of all Majority-owned subsidiaries, Stanford, Conn: FASB, 1987
- 4- International Accounting Standards Committee, International Accounting Standards, London: IASC, 1997

۵- کمیته فنی، استانداردهای حسابداری، تهران: سازمان حسابرسی، ۱۳۸۰

[http://www.hesabras.org/contentdetail.aspx?magazine\\_id=1&menu=pub&smenu=archive&issue\\_number=34&content\\_id=202](http://www.hesabras.org/contentdetail.aspx?magazine_id=1&menu=pub&smenu=archive&issue_number=34&content_id=202)